

وضعیت مطالعات کودکی در ایران با درآمدی بر تسلط رویکرد حقوقی و آسیب شناسانه

دکتر مریم شعبان^۱

* تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵ / تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل وضعیت مطالعات کودک و کودکی در ایران و یا تاریخچه مطالعات کودکی در ایران است. در این راستا تلاش برای شناسایی اولین مطالعات مربوط به کودک و کودکی مورد توجه و به دنبال آن، گزینش رویکرد تاریخی گریز ناپذیر است. چنین اقدامی یک کنش مقاومتی در برابر دیدگاه‌های هژمونیک مسلط، پیرامون وضعیت مطالعات کودکی در جهان است و می‌خواهد هویت و ماهیت مطالعات کودکی در ایران را شناسایی و به مخاطبان ارائه نماید؛ گویی می‌خواهد جوامع مطرود و به حاشیه رانده شده را به متن مطالعات کودکی بکشاند و صدای آنها را رساتر کند. این موضوع، به صورت غیر مستقیم از حقوق کودکان جوامع شرقی نیز دفاع می‌کند؛ زیرا این حق را برای کودکان جوامع شرقی در نظر می‌گیرد که از فرهنگ بومی و اصالت اجتماعی برخوردار باشند. کودکانی که حق دارند ادبیات پژوهشی و مطالعاتی در مورد آنها و کودکان پیشین جامعه آنها دارای اصالت و اعتبار باشد. رویکرد پژوهش حاضر، کیفی- در زمانی و روش تحقیق نیز تحلیل اسنادی است. نتایج حاصل از پژوهش، بیانگر وجود مطالعات کودکی به معنای کلی در طول تاریخ ایران است. اما مطالعات جامعه شناسانه کودک و کودکی در ایران به یک دهه اخیر بر می‌گردند و معمولاً مطالعات موجود در این حوزه، به دلیل عدم توجه پژوهشگران به بسترهای داخلی و حافظه تاریخی جامعه ایران و همچنین توجه و تمرکز پژوهشگران بر آثار ترجمه شده از جوامع دیگر، به شدت تحت تأثیر آثار و رویکرد‌های غیر بومی (با محوریت آثار انگلیسی و آمریکایی) است که معمولاً آسیب شناسانه و نهایتاً حقوقی هستند. لذا جامعه شناسی کودک و کودکی در ایران، نیازمند توجه بیشتر بر اساس زمینه‌ها و حافظه تاریخی داخلی و نیز رویکرد حقوقی است.

واژگان کلیدی: مطالعات کودکی، جامعه شناسی کودکی، آسیب‌های کودکان، حقوق کودک.

^۱ دکتری تخصصی جامعه شناسی مسائل اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)
M.shaban@ut.ac.ir

تدوین شده بر اساس نتایج و یافته‌های رساله دکتری نگارنده با عنوان «جامعه‌شناسی کودکی در ایران: ظهور و دگردیسی» که در سال ۱۳۹۹ به عنوان رساله برتر در سطح کشوری مورد تجلیل قرار گرفت.

مقدمه

کودک و کودکی مفهومی اجتماعی است و مطالعه آنها امری جامعه‌شناسانه است. (شعبان، ۱۳۹۹، ۲۰۵) همان‌طور که بری مایال مطرح می‌کند: «در عرصه مطالعات کودکی، کدام کتاب‌ها و نویسندگان تأثیرگذار بوده‌اند، مسأله‌ای است مربوط به زبانی که آنها استفاده می‌کنند»، نویسندگان و کتاب‌های خاصی وجود دارند که به‌طور منظم به آنها ارجاع داده شده یا از آنها نقل قول شده است؛ این آثار شامل مسائل کودکی^۱، ویراسته یونس کورتروپ^۲ و همکاران در ۱۹۹۴ میلادی، مقالات متعدد از لینا آلانن^۳ در ۱۹۸۸ و ۱۹۹۴ میلادی، و کتاب مهم ساخت و بازساخت کودکی^۴ ویراسته آلیسون جیمز^۵ و آلن پروت^۶ در ۱۹۹۷ میلادی، هستند؛ که آغازگر و سازنده تأثیری علمی بر مطالعات کودکی بوده‌اند. تمام کتاب‌های تأثیرگذار به زبان انگلیسی نوشته شده و برخی از آنها به دیگر زبان‌ها ترجمه شده‌اند. این موضوع نه تنها تأثیری جهانی بلکه اجباری از نوع آن جهانی دارد که پژوهش در مورد کودکان را در سراسر جهان شکل می‌دهد. این موضوع، بی‌خطر نیست زیرا نظریه‌های محلی کودکی در همین کشورها مانند پنداشته‌ای رایج و تأییدهای هنجاری مرتبط با کودکان برای سطح جهانی مطرح می‌شوند. (مایال، ۲۰۱۳، ۹۰-۸۳) در آثاری که جوامع مختلف را از منظر چگونگی مطالعات کودکی مورد مذاقه قرار داده‌اند معمولاً جوامعی چون استرالیا، برزیل، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، آلمان، هلند، رومانی، انگلستان و ایالات متحده مشاهده می‌شوند؛ هر چند که فضای مطالعات کودکی، محدود به این چند جامعه نمی‌شود، اما بسیاری از اندیشمندانی که به بررسی وضعیت مطالعات کودکی در جوامع مختلف پرداخته‌اند از جمله، آندره تورمل در ۲۰۰۸ میلادی، دوریس بورنیدربرگر در ۲۰۱۰ میلادی، و بری مایال در ۲۰۱۳ میلادی، این جوامع را بر اساس تولیدات علمی آنها به‌عنوان پیشگامان عرصه مطالعات کودکی در جهان معرفی کرده‌اند. (آلانن، ۱۹۹۲، آلانن، ۱۹۸۸، آلیسون و همکاران، ۱۹۹۸، آلیسون و آلن پروت، ۱۹۹۷، مایال، ۲۰۰۲، آلدرسون، ۱۹۹۵، آلدرسون و مارو، ۲۰۰۴، پروت، ۲۰۰۲، مایال، ۲۰۱۳)

¹ Childhood Matters.

² Jens Qvortrup.

³ Leena Alanen.

⁴ Constructing and Reconstructing Childhood.

⁵ Allison James.

⁶ Alan Prout.

تأسف بر انگیز است که با توجه به معیار تداوم نسبی پژوهش های مربوط به کودک و کودکی، برتری کشورهای غربی در گزینش جوامع، آشکار است. در حالی که مطالعه جوامع آفریقایی و آسیایی، ممکن است دانش ها و بینش های ارزشمندی در رابطه با تحولات دیدگاه های هژمونیک جهانی پیرامون کودکی در سطح محلی، به پژوهشگران ارائه کند. (بولر نیدربرگر، ۲۰۱۰، ۳۸۴-۳۶۹) بنابراین، هیچ پژوهشگری نباید خود را محدود به دیدگاه های برخی کشورها در مورد کودکی کند بلکه باید با اتخاذ رویکردی بومی گرایانه به بررسی وضعیت مطالعات کودکی در جامعه خود پردازد؛ ما نیز در پژوهش حاضر، به شناسایی چستی و چگونگی مطالعات کودکی در ایران می پردازیم. پژوهشی که نتایج جستجوی داخلی و خارجی نشان می دهد که چنین اقدامی تا به حال، صورت نگرفته است و دلیل آن نیز به میزان زیادی به این دلیل است که دهه ۹۰ شمسی در ایران دهه کودکی است و توجه فضای علوم اجتماعی ایران با محوریت جامعه شناسی همراه با رویکردی حقوقی، به کودکی، بسیار جدید و مربوط به کمتر از یک دهه اخیر است. (شعبان، ۱۳۹۹، ۲۰۴)

تلاش برای تحلیل وضعیت مطالعات کودکی در ایران، می تواند یک کنش مقاومتی در برابر دیدگاه های هژمونیک مسلط، پیرامون وضعیت مطالعات کودکی در جهان باشد و می خواهد، هویت و ماهیت مطالعات کودکی در ایران را شناسایی و به مخاطبان ارائه نماید؛ گویی می خواهد جوامع مطروود و به حاشیه رانده شده را به متن مطالعات کودکی بکشاند و صدای آنها را رساتر کند. این موضوع، به صورت غیر مستقیم از حقوق کودکان جوامع شرقی نیز دفاع می کند؛ زیرا این حق را برای کودکان جوامع شرقی در نظر می گیرد که از فرهنگ بومی و اصالت اجتماعی برخوردار باشند. کودکانی که حق دارند ادبیات پژوهشی و مطالعاتی در مورد آنها و کودکان پیشین جامعه آنها دارای اصالت و اعتبار باشد. بنابراین پرسش پژوهش این است که اقدامات مطالعاتی و پژوهشی مربوط به عرصه مطالعات کودکی در ایران کدامند؟ و چه تحولاتی را طی کرده اند؟

منابع موجود در رابطه با وضعیت مطالعات کودکی در جوامع مختلف در سطح جهانی برای انجام مطالعه خود، معمولاً بعد از انتخاب یک جامعه، اقدام به شناسایی انجمن های علمی، نشریات مهم، مجموعه کتاب ها و مجلات، دوره های آموزشی و برنامه های مطالعاتی و ... که برای اولین بار، پیرامون کودک و کودکی در آن جامعه انجام شده اند، کرده و سپس، شروع به ارائه داستانی از روند تحول و دگرذیسی مطالعات کودکی در آن جامعه می کنند. در پژوهش حاضر، رویکرد روش شناختی کیفی - در زمانی و روش تحقیق و تکنیک پژوهش نیز تحلیل اسنادی است؛ نگارنده، برای پاسخگویی به مسأله و پرسش های پژوهش، با نگاهی زمان مند، اقدام به اکتشاف و شناسایی

مطالعات و پژوهش های مرتبط کرده و سپس، به تحلیل منابع اکتشاف شده پرداخته اند. جامعه مورد مطالعه نیز کلیه اسناد و اطلاعات مربوط به مطالعات و پژوهش های کودک و کودکی در ایران می باشند. برای ارائه شناختی جامع از وضعیت مطالعات کودکی در ایران، ابتدا به بررسی وضعیت آماری مطالعات انجام شده پیرامون کودک و کودکی می پردازیم. بعد از ارائه تصویری از وضعیت کمی مطالعات کودکی، به تحلیل فضای معنایی مسلط بر این مطالعات پرداخته و تفسیری نهایی از چگونگی آن ارائه می نماییم. انتخاب دو گام مجزای ارائه وضعیت آماری و تحول مطالعات مربوط به کودک و کودکی در ایران، در راستای شناختی همه جانبه تر از وضعیت مطالعات کودکی در ایران است، به شکلی که وضعیت کمی و کیفی آن را برای مخاطبان، مشخص می کنند.

۱- وضعیت کمی مطالعات کودکی در ایران

برای مطالعه وضعیت مطالعات مربوط به کودکی، مهمترین گام، شناسایی مطالعات و پژوهش های مرتبط با این حوزه است. در شناسایی منابع، نکته حائز اهمیت، جداسازی مطالعات علمی دانشگاهی از مطالب غیر علمی و غیر تخصصی است. «دقت علمی» عنصری مهم و راهنمای پژوهشگر در جهت شناسایی منابع مورد نظر است. برای این منظور، در گام اول، گونه های موجود مطالعات و پژوهش های علمی تخصصی را به پنج گونه اصلی تقسیم نمودیم که شامل موارد زیر می باشند؛ ۱- کتاب ها ۲- طرح های پژوهشی ۳- پایان نامه ها ۴- مقاله ها ۵- همایش ها و کنفرانس ها.

در گام دوم، با محوریت کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودکی»، «جامعه شناسی کودکی»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک» برای جستجوی منابع، آماده شدیم. در گام سوم، سال ۱۳۹۸ تا شش ماه اول سال ۱۳۹۹، را به عنوان بازه زمانی برای جستجو، تعیین نمودیم. در گام چهارم، به مرور پایگاه های انتشار منابع و اطلاعات پرداختیم که بیش از ده مورد پایگاه را شناسایی نمودیم. سپس به بررسی اجمالی و مقایسه آنها از نظر جامع بودن پرداختیم. برای شناسایی کتاب های پیرامون موضوع مورد مطالعه، «کتابخانه ملی» بهترین پایگاه شناسایی شد؛ زیرا هر کتابی چه به صورت تألیف و چه ترجمه که در ایران به مرحله چاپ و نشر برسد، شناسه آن در کتابخانه ملی ثبت می گردد؛ لذا سایت کتابخانه ملی در حال حاضر، جامع ترین مرجع برای جستجوی کتاب است؛ برای همین، کلید واژه های مورد نظر را در سایت کتابخانه ملی، مورد جستجو قرار دادیم. نتایج جستجو نشان دادند که، ۱۳،۱۶۳ کتاب^۱ که در عنوان خود، کلید واژه

^۱ در سامانه کتابخانه ملی، ۳،۵۸۸۵۴۷ مورد کتاب ثبت شده است.

های «کودک»، «کودکی»، «جامعه شناسی کودکی»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک» داشتند، ثبت شده اند؛ این کتاب ها، در بررسی های اولیه، مربوط به حوزه های مختلفی همچون فلسفه، تاریخ، ادبیات، روانشناسی، تعلیم و تربیت، حقوق، شهرسازی، مددکاری و آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی بودند؛ نتایج بررسی ها نشان دهنده این بودند که کمتر از ۵ درصد کتاب های مورد نظر به طور مستقیم با جامعه شناسی ارتباط داشتند و دیگر کتاب های مربوط به عرصه علوم انسانی نیز مربوط به روانشناسی، مددکاری اجتماعی، آسیب شناسی و علم حقوق بودند.

برای شناسایی طرح های پژوهشی مرتبط با موضوع نیز سایت های مختلفی به عنوان منبع ثبت اطلاعات طرح های پژوهشی در ایران شناسایی شدند؛ اما این سامانه ها، ماهیتی جزئی و خاص دارند؛ به این معنا که محدود به ثبت اطلاعات طرح های پژوهشی یک وزارتخانه یا سازمان می شوند؛ گویی که هر وزارتخانه، سازمان، دانشگاه و پژوهشگاهی، پایگاه ثبت اطلاعاتی مشخص و مجزایی برای ثبت اطلاعات مربوط به طرح های پژوهشی خود دارد. لذا، جامع ترین پایگاه ثبت اطلاعات مربوط به طرح های پژوهشی در ایران که دامنه ای در سطح ملی دارد، «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» است. لذا، جستجوی طرح های پژوهشی مرتبط با موضوع مورد مطالعه را با محوریت کلید واژه های مطرح شده، در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، انجام دادیم.

از سال ۱۳۷۰، تا شش ماه اول سال ۱۳۹۸، ۳۲ طرح پژوهشی پیرامون کلید واژه های مذکور، ثبت شده اند که، ۱۶ مورد در حوزه پزشکی، بهداشت و سلامت؛ ۹ مورد در حوزه روانشناسی و تعلیم و تربیت، یک مورد شهرسازی و ۶ مورد در حوزه اجتماعی فرهنگی، انجام شده اند. همان طور که از فراوانی های مذکور، قابل مشاهده است؛ دسترسی به آمار و اطلاعات همه طرح های پژوهشی مرتبط با کلید واژه ها ممکن نبود؛ این امر در درجه اول به دلیل عدم وجود پایگاه جامعی برای ثبت اطلاعات طرح های پژوهشی در ایران است؛ و دوم، به دلیل عدم ثبت و گزارش بسیاری از طرح های پژوهشی، توسط سازمان های کارفرما یا حتی مجریان می باشد. دسترسی به آمار و اطلاعات مربوط به همه طرح های پژوهشی مرتبط با کلید واژه های مورد نظر، برای پژوهشگران، غیر ممکن است؛ این موضوع یک مسأله مهم در نظام علمی مطالعاتی کشور است که نیازمند رسیدگی است. زیرا نقص اطلاعات آماری جامع در عرصه های مطالعاتی و پژوهشی، علاوه بر ابهام در زمینه چگونگی یک موضوع خاص، مانعی برای تغییر و بهبود وضعیت است. زیرا یک گام مهم در تشخیص و تعریف یک مسأله به عنوان اولین گام در جریان مطالعه و ارائه راهکار در جهت تغییر و

بهبود وضعیت یک جامعه، شناسایی نقاط عطف تاریخی در روند تحولات در زمانی یک واقعیت اجتماعی است.



نمودار (۱): درصد طرح های پژوهشی مرتبط با مفاهیم حساس پژوهش

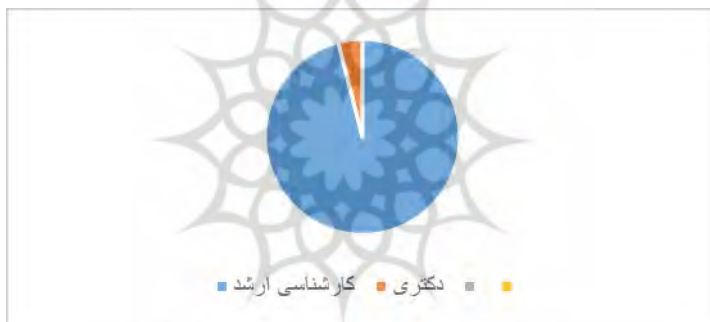
همان طور که در نمودار مطرح شد، ۵۰ درصد از طرح های پژوهشی مرتبط با مفاهیم حساس مورد نظر، در عرصه پزشکی و سلامت، ۲۸ درصد در عرصه روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۹ درصد در عرصه اجتماعی و فرهنگی و ۳ درصد نیز در حوزه شهرسازی و مطالعات شهری، انجام شده اند.

مطالعه دقیق تر ۶ طرح پژوهشی ثبت شده که به حوزه اجتماعی و فرهنگی مرتبط هستند، نشان می دهد که مهمترین پژوهش های انجام شده در این حوزه، نسبت به کودکان ایرانی، و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها، نگاهی آسیب شناسانه دارند؛ چنین نگاهی هر چند که زمینه تلاش محققان را برای توصیف، تبیین و تفسیر وضعیت کودکان و رسیدگی به کودکان آسیب دیده یا در معرض آسیب فراهم می کند اما منجر به غافل ماندن فضای مطالعاتی و پژوهشی از جنبه های دیگر زندگی کودکان در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود؛ چنین غافل ماندن و نقاط کوری، خود در نظام مطالعاتی و پژوهشی، یک آسیب است که نیازمند رسیدگی و تحول می باشد. یکی دیگر از مهم ترین گونه های مربوط به مطالعات علمی تخصصی، پیرامون موضوع کودک و کودکی در ایران، پایان نامه ها هستند. پایان نامه ها در فضای دانشگاهی ایران در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام می شوند؛ بنابراین، هر دانشگاهی به شکل مجزا از منابع اطلاعاتی گسترده ای از پایان نامه ها برخوردار است. حجم بزرگی از پایان نامه ها در دانشگاه های دولتی و غیر دولتی در سراسر ایران وجود دارد اما پایگاه اطلاعاتی مشخصی که به تجمیع اطلاعات مربوط به پایان نامه ها در سراسر کشور بپردازد، وجود ندارد. در حال حاضر، جامع ترین پایگاه برای

ثبت اطلاعات مربوط به پایان نامه ها در سراسر کشور، «پایگاه اطلاعات علمی ایران، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)»، است که از اوایل دهه ۱۳۷۰، شکل گرفته و شروع به ثبت اطلاعات مربوط به پایان نامه های سراسر کشور نموده است. هر چند که عدم وجود پایگاهی جامع برای ثبت اطلاعات پایان نامه ها یک کاستی در نظام علمی و مطالعاتی کشور است و منجر به آشننگی های بسیاری نیز می شود اما نگارنده با گزینش کامل ترین پایگاه موجود، اطلاعات مربوط به فراوانی پایان نامه ها در حوزه های تخصصی مختلف در کشور را استخراج و به شکل جدول زیر ارائه نموده است.

جدول (۱): فراوانی پایان نامه های مرتبط با کودک و کودکی		
ردیف	حوزه تخصصی	فراوانی
۱	حقوق	۴۶
۲	میان رشته ای	۱۴
۳	الهیات و معارف اسلامی	۱۱
۴	علوم تربیتی	۶
۵	زبان و ادبیات فارسی	۴
۶	معماری و شهرسازی	۶
۷	علوم اجتماعی	۵
۸	روانشناسی	۳
۹	علوم سیاسی	۲
۱۰	بهداشت و سلامت	۱
۱۱	تاریخ و فلسفه	۱

بیشترین فراوانی پایان نامه های مرتبط با کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودک»، «جامعه-شناسی کودک»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک»، مربوط به رشته حقوق و سپس مطالعات میان رشته ای است. که این امر از حیث آماری بیانگر تسلط رویکرد حقوقی نسبت به موضوع است. در حوزه علوم اجتماعی نیز، تنها ۵ پایان نامه ثبت شده است که در رابطه با مددکاری اجتماعی و آسیب شناسی اجتماعی بودند. هر چند که پایان نامه های موجود در عرصه علوم اجتماعی را به تعداد یافت شده تقلیل نمی دهیم، اما امکان دسترسی به بقیه موارد ممکن برای تحلیل، غیر ممکن است. لکن، مطالعات نگارنده در رابطه با موارد یافت شده و نیز اطلاعات او از پایان نامه ها که در گزارش های غیر تخصصی و حتی روزمره کسب شده اند، بیانگر تسلط رویکرد مددکاری اجتماعی و آسیب شناسی اجتماعی است. پایان نامه های ثبت شده در ۱۱ حوزه مورد نظر، در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام شده اند که، ۹۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۴ درصد در مقطع دکتری انجام شده اند.



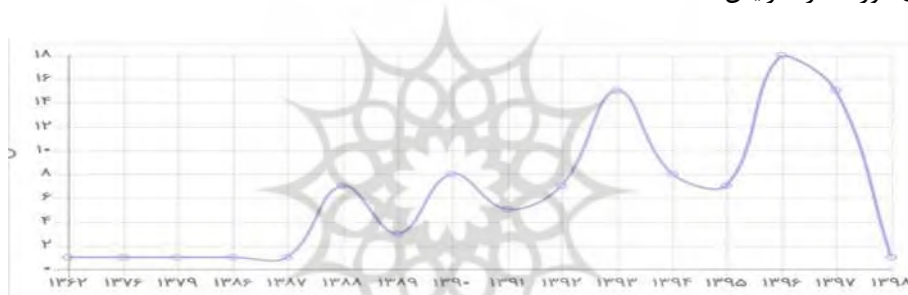
نمودار (۲): شمار پایان نامه های مربوط به مفاهیم حساس به نسبت مقاطع تحصیلی

قابل توجه است که توجه متخصصان در بالاترین سطح علمی دانشگاهی به انتخاب موضوع هایی پیرامون کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودک»، «جامعه شناسی کودک»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک» به میزان قابل توجهی کاهش داشته است. این موضوع شاید در نگاه اول به دلیل آمار کمتر دانشجویان دکتری نسبت به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد بیان گردد؛ اما بر اساس آخرین آمار موجود که در سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ جمع آوری شده اند، ۱۴۵,۳۴۸ مورد دانشجوی دکتری در برابر ۷۳۲,۵۳۶ مورد دانشجوی کارشناسی ارشد در کل دانشگاهیان موجود در سراسر کشور^۱ شناسایی شده اند.^۱ هر چند که تفاوت بین آمار موجود از

^۱ شامل دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، پیام نور، علمی کاربردی، فنی و حرفه ای، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی.

دانشجویان این دو مقطع، قابل توجه است و نیز نسبت دانشجویان دکتری به کارشناسی ارشد ۰/۲ است. اما نسبت پایان نامه های دکتری به پایان نامه های کارشناسی ارشد که پیرامون مفاهیم حساس مورد نظر انجام شده اند، ۰/۰۲ است. این موضوع نشان می دهد که علاقه و گرایش متخصصان علمی دانشگاهی ایران، به پژوهش و مطالعات پیرامون کلید واژه های مذکور به نسبت ارتقاء سطح تخصصی آنها، روندی نزولی دارد.

جستجوهای مربوط به وضعیت پایان نامه ها پیرامون مفاهیم حساس مورد نظر، نشان دادند که رشد پایان نامه های انجام شده پیرامون کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودکی»، «جامعه شناسی کودکی»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک» مقطعی است؛ به این معنی که در سال های ۹۳ و ۹۷ نسبت به دیگر سال ها، روند رشد پایان نامه های مرتبط با کلید واژه های مورد نظر، افزایش داشته است.



نمودار (۳): شمار پایان نامه های مرتبط با کودک و کودکی به تفکیک سال

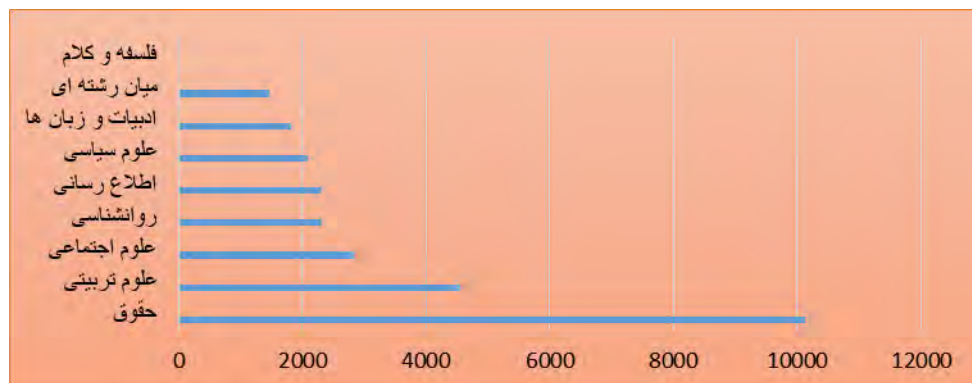
مقاله ها از جمله منابع علمی اطلاعاتی دیگری هستند که در رابطه با مفاهیم حساس مورد نظر، انجام شده اند. با وجود این که پژوهش هایی که به صورت مقاله، منتشر شده اند را می توان در گونه های مختلفی تقسیم بندی نمود؛ اما برای جستجوی منابع علمی مربوط به موضوع مورد مطالعه، مقالات پژوهشی و ترویجی مورد نظر پژوهشگر هستند. لذا، برای شناسایی مقاله های پژوهشی و ترویجی که به زبان فارسی در نشریات معتبر ایرانی چاپ شده اند؛ به جستجوی پایگاه های ثبت مقالات در ایران پرداختیم. لازم به ذکر است که چندین پایگاه اطلاعاتی ثبت مقاله در ایران وجود دارند که مهمترین آنها بدون در نظر گرفتن اولویت شامل «نور مگز»، «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»، «پرتال جامع علوم انسانی»، «بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)» و «سیویلیکا» هستند. اما با توجه به شاخصه های مهمی در جهت تسهیل تحلیل

^۱ گزارش مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷.

اطلاعات در پژوهش حاضر از جمله، سابقه تاریخی بیشتر، جامعیت اطلاعات ثبت شده، قابلیت جستجو به تفکیک حوزه های تخصصی و جستجوی کلید واژه های چند گانه به شکل همزمان، برای جستجوی مقالات علمی پژوهشی و علمی ترویجی منتشر شده به زبان فارسی در ایران، پایگاه ثبت اطلاعات « نور مگز » که دارای بانکی جامع از مجله های ایرانی از ۱۳۸۴، به بعد است، را انتخاب نمودیم و سپس کلید واژه های مورد نظر را در آن، مورد جستجو قرار دادیم. بر اساس نتایج به دست آمده، از سال ۱۳۸۴ به بعد، حدود ۳۵,۶۴۶ مورد مقاله، پیرامون کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودکی»، «جامعه شناسی کودکی»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک» در سامانه نور مگز، ثبت شده اند که ۱۱,۴۴۲ مورد پژوهشی و ۱,۹۲۹ مورد ترویجی هستند.

جدول (۲): فراوانی مقاله های مرتبط با کودک و کودکی		
ردیف	حوزه تخصصی	فراوانی
۱	حقوق	۱۰۱۲۱
۲	علوم تربیتی	۴۵۵۱
۳	علوم اجتماعی	۲۸۲۳
۴	روانشناسی	۲۳۱۲
۵	اطلاع رسانی و کتابداری	۲۲۸۷
۶	علوم سیاسی	۲۰۸۳
۷	ادبیات و زبانها	۱۸۲۶
۸	میان رشته ای	۱۴۷۵
۹	فلسفه و کلام	۱۲۵۸

همان طور که مشاهده می شود، بیشترین مقاله های یافت شده که مربوط به مفاهیم حساس مورد نظر بودند، در حوزه علم حقوق و کمترین آنها در حوزه فلسفه و کلام انجام شده اند. که این نکته نیز بیانگر تسلط رویکرد حقوقی در انجام پژوهش ها در قالب مقالات است. پژوهش هایی که در عرصه علوم اجتماعی، پیرامون کلید واژه های مذکور یافت شدند؛ تنها ۸ درصد از کل پژوهش های یافت شده را تشکیل می دهند که با بررسی جزئی تر موضوع و حوزه تخصصی آنها باید گفت که حدود ۹۷ درصد آنها نیز در عرصه مددکاری-اجتماعی و آسیب شناسی اجتماعی انجام شده اند.



نمودار (۴): فراوانی مقاله ها به نسبت حوزه تخصصی

علاوه بر کتاب ها، طرح های پژوهشی، پایان نامه ها و مقاله ها، گرد همایی های تخصصی مختلفی که در قالب همایش، کنفرانس و ... برگزار می شوند، از جمله منابع اطلاعاتی دیگر در عرصه های مختلف علمی، می باشند. بر اساس سامانه آماری و اطلاع رسانی «همایش های ایران»، از سال ۱۳۸۵، تا پایان نیمه اول ۱۳۹۹، حدود ۴۷ میلیون، همایش و کنفرانس در ایران برگزار شده است، که در طیف گسترده ای از رشته های تخصصی پیرامون علوم انسانی، علوم پایه و زیست و پزشکی، انجام شده اند. حدود ۴۶ مورد از همایش و کنفرانس های مورد نظر، در عنوان اصلی خود از کلید واژه های «کودک»، «کودکی»، «مطالعات کودکی»، «جامعه شناسی کودکی»، «جامعه شناسی کودک» و «حقوق کودک»، استفاده کرده بودند.

بررسی جزئی تر موضوع و محورهای همایش ها و کنفرانس های یافت شده، نشان دادند که به جز دو مورد از ۴۶ مورد، که در عنوان و محورهای خود، مطالب جامعه شناختی را نیز مورد توجه قرار داده بودند، باقی موارد، پیرامون سلامت جسمانی و روانی، با تأکید بر روند های درمانی و پیشگیری از بیماری ها و یا در راستای بهبود وضعیت نا مناسب حقوقی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شده اند؛ برخی دیگر نیز در راستای دسترسی به امکانات، ابزارها و فناوری ها برای کودکان، به خصوص کودکان دارای شرایط نا بهنجار و نیازمند به چنین منابعی، مطرح شده اند. البته گروه مستقل «جامعه شناسی کودکی و حقوق کودک در ایران» که در سال ۱۳۹۰، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شکل گرفته است از ابتدای سال ۹۸، اقدام به برگزاری نشست هایی تخصصی در زمینه جامعه شناسی کودکی، نموده است که همچنان ادامه دارند. این نشست ها با هدف پوشش دانشگاهی جامعه شناسی کودکی، به دنبال تقویت رویکرد اجتماعی و فرهنگی نسبت به کودک،

کودکی و حقوق کودک هستند. ویژگی تمایز بخش این نشست ها، آگاهی نسبت به تسلط رویکرد های آسیب شناسانه بر فضای علمی مطالعاتی پیرامون کودک و کودکی در ایران است؛ لذا تیم اجرایی آن، کار خود را با نقد رویکرد های آسیب شناسی و گزینش رویکرد های بومی، شروع کرد؛ به شکلی که حتی در رابطه با یک موضوع که به عنوان مسأله کودکان ایرانی مطرح می شود، به دنبال گسترش بحثی اجتماعی و فرهنگی با نگاهی تاریخی است؛ لذا تأکید بر مطالعه ای بومی با تکیه بر حافظه تاریخی جامعه ایران، هدف اصلی آنها است.

۲- فضای مفهومی مطالعاتی کودکی در ایران

نتایج حاصل از جستجوی پیشینه پژوهش نشان می دهند که در زمینه پزشکی و روانشناسی کودک، به خصوص روانشناسی، آثار بسیاری در ایران انجام شده اند که عموماً توجه آنها به بیماری های جسمی و روانی کودکان بوده است و معمولاً فرآیند رشد، یادگیری و اختلالات روانی کودکان را مورد توجه قرار داده اند. لذا عمده پژوهش ها با نگاه آسیب شناسی جسمی و روانی انجام شده اند. نتایج به دست آمده نشان می دهند که عمده پژوهش های پزشکی نیز بر مسائل ژنتیک، خون و سرطان کودکان متمرکز هستند.

در حوزه علم حقوق نیز اقدامات و مطالعات مختلفی در رابطه با کودکان صورت گرفته است. اصلی ترین اقدام در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ بود که ایران با مصوبه مجلس به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۸ وزارت امور خارجه به نمایندگی از دولت، امور مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون را نظارت و گزارش ادواری را تنظیم و ارسال می نمود. از دی ماه ۱۳۸۸، با مصوبه دولت، وزارت دادگستری به عنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک تعیین و اقدامات خود را آغاز نمود. با تصویب آیین نامه مرجع، شورای هماهنگی متشکل از نهاد های دولتی و غیر دولتی مرتبط، تشکیل و دبیرخانه مرجع ملی شکل گرفت. این مرجع همانند سایر نهاد های ملی حقوق کودک در دنیا، وظایفی چون تدوین طرح ها و برنامه های ارتقای حقوق کودک و ترویج احترام به شخصیت وی از طریق ارائه نظرات مشورتی در زمینه مقررات، رویه ها و برنامه های مرتبط با حقوق کودک، ایجاد هماهنگی بین بخشی و تسهیل گری در این راه، پیشنهاد اصلاح قوانین و مقررات موجود، پایش و ارزیابی وضعیت رعایت حقوق کودک در جامعه و ارائه گزارش به مقامات و مراجع مسئول، انجام مطالعات مربوط به حقوق کودک و تبادلات علمی با مراکز علمی و تحقیقاتی را بر عهده دارد. (شعبان، ۱۳۹۴، ۶-۱)

تدوین « برنامه جامع حقوق کودک و نوجوان در افق ۱۴۰۴ » به عنوان اولین و مهم ترین مطالعه پژوهشی بود که اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۹۵ برای یک دوره ۱۰ ساله، یعنی تا ۱۴۰۴، توسط مرجع ملی پیش بینی شد. طراحی و اجرای بانک اطلاعات جامع کودکان و نوجوانان^۱ (NBCRC) و همکاری و تعامل با دستگاه های دولتی، قضایی، انتظامی، قانونگذاری و نظارتی و همچنین سمن های فعال حوزه کودک و متخصصان و فعالان این حوزه از دیگر عملکرد های مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک است. (برنامه عمل جامع حقوق کودک و نوجوان در ایران، در افق ۱۴۰۴، ۱۳۹۴) برنامه جامع حقوق کودک، توسط تیم تخصصی از متخصصان حقوق و علوم اجتماعی، بر اساس پیمان نامه حقوق کودک، و کلیه برنامه ها و اقدامات ۱۴ دستگاه فعال در حوزه کودکان، تدوین شده است. با توجه به مواد پیمان نامه و راهبرد های برنامه جامع، برای تحقق کلیه مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک، در برنامه عمل جامع، راهبرد هایی اندیشیده شده است که هر کدام از این راهبرد ها، در قالب چندین برنامه، و هر برنامه، در قالب چندین فعالیت به اجرا در می آیند؛ که متولی هر کدام از این فعالیت ها، ۱۴ سازمان عضو در مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در ایران هستند، که در رابطه با کودکان، ردیف بودجه و مسئولیت هایی را عهده دار می باشند اما مسأله اساسی در برنامه عمل جامع حقوق کودک، شرح اقدامات موجود است. به این معنا که در قالب یازده راهبرد، کلیه ۱۴ دستگاه که دارای برنامه های حمایتی برای کودکان در ایران هستند مورد پایش قرار گرفته اند و هر دستگاه کلیه اقدامات انجام شده، در حال انجام و یا پیش بینی شده برای اجرای خود را اعلام نموده اند. بعد از این پایش، کلیه موارد در قالب ۱۱ راهبرد جمع شده و بعد از آن کلیه فعالیت ها و اقدامات دستگاه های مربوطه، توسط بالاترین مقام آن دستگاه، مورد تأیید و تعهد و اجراء قرار گرفته است. کلیه سازمان های عضو حقوق کودک در برنامه عمل جامع حقوق کودک و نوجوان در ایران، در افق ۱۴۰۴، فعالیت هایی را متعهد هستند که به صورت دوره ای روند اجرای آنها توسط کارگروه پایش و ارزیابی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، مورد ارزیابی و نظارت قرار می گیرند. سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت کشور (اعم از ثبت احوال، سازمان امور اتباع، کلیه استانداری ها، فرمانداری ها، شهرداری ها و ...)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان زندان ها، وزارت بهداشت و درمان، وزارت علوم و تحقیقات، وزارت کار و تعاون، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، سازمان صدا و سیما، قوه قضاییه، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، هر کدام چندین فعالیت را متعهد هستند. در نتیجه باید گفت، با توجه به هدف اساسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، برای ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش

^۱ به سامانه آماری کودکان در ایران با عنوان «گنج انسان» مراجعه شود: www.ganjensan.ir.

در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی، و رشد اجتماعی، و دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت مورد توجه است؛ که در برنامه عمل جامع و در قالب ۱۱ راهبرد، ۲۲۳ برنامه و ۸۳۶ فعالیت مورد پیگیری قرار می گیرد.

جستجوی پیشینه پژوهش نشان می دهد که مطالعات مختلف زیادی (به خصوص مقالات) در رابطه با حقوق کودکان انجام شده است؛ پژوهش هایی که عموماً در موارد خاص، از جمله حق کودکان برای داشتن هویت (مدارک شناسایی)، حق تابعیت، حق تحصیل و آموزش، منع پورنوگرافی کودکان، منع کار کودکان و ... (به عنوان اصلی ترین مسائل حقوقی کودکان در ایران) انجام شده اند، به شکلی که بیشتر نگاهی آسیب شناسانه به حقوق کودکان در ایران دارند و یا تلاشی برای ارائه راهکارهای اصلاحی در زمینه حقوق کودکان و ارتقای وضعیت حقوق کودکان در ایران، می باشند؛ برای نمونه، کتاب «درآمدی بر حقوق کودک: مطالعه تطبیقی در نظام های حقوقی ملی و بین المللی» (عابد خراسانی، ۱۳۸۹) و «آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران» (مدنی قهفرخی و زینالی، ۱۳۹۰) و مبانی حقوق کودک در ایران از جمله این آثار هستند.

در حوزه فلسفه، تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش نیز مطالعات مختلفی در زمینه کودکان انجام شده اند. برای مثال، مقاله «تفکر شهودی در کودکان و ضرورت بازگشت به کودکی (۱۳۷۶)» اظهار می دارد که برخورداری از افکار بزرگ، قلب ها و عواطف بزرگ، مستلزم بازگشت بزرگوارانه به دوران کودکی است؛ زیرا می توان همه آنچه را که انسان آرمان اندیش، دست نیافتنی می پندارد در کودکی خلق کرد. جاودانگی، خلوص و پاکی، عشق و دوستی، آزادی و آزادگی، خلاقیت، یکپارچگی و توحید یافتگی، همه این صفات بلند و آرمانی تنها در بازگشت به کودکی، واقعیت می یابند. اثر مذکور با تأکید بر آراء ورنر و ویژگی های بارز تفکر شهودی، بر آن است که خلاق ترین دوره عمر آدمی کودکی است و ذهن و عواطف آدمی، آزادترین و منعطف ترین حالت خود را دارد (کریمی، ۱۳۷۶، ۲۶-۷). نگارنده کتاب «کودکی باز یافته (۱۳۸۷)» می گوید که در «دوران کودکی»، نگاه شخص به حوادث و پدیده های طبیعت به گونه ای است که جهان نه یک چیز «عادی» بلکه رخدادی «غیر عادی» و هر چیز دست نیافتنی، دست یافتنی می شود. اگر کودک بتواند چنین نگاهی را تا زمان بزرگسالی به همراه خویش داشته باشد و آن را حفظ کند، به عارف یا شاعری زیبا اندیش، مبدل می گردد. «فقط کافی است حس درونی و نگاه خالصانه و ساده کودکی خود را باز آفرینی کنیم، آن گاه واقعیت و جلوه های بیرونی آن رنگ دیگری به خود می گیرند. بر همین اساس، بازگشت به کودک درون یکی از پربرابرترین دوره های زندگی آدمی از نظر

پیشرفت نیروهای خلاقانه و حس زیبایی شناسی شناخته شده است». (کریمی، ۱۳۸۷، ۶۵) به اعتقاد نگارنده مذکور هر چه کودکان، بزرگ تر و بالغ تر می شوند از معصومیت و سادگی خویش فاصله می گیرند. مبلغان جنگ و خونریزی، دیکتاتورها و جنایتکاران، همگی زمانی کودک بودند و معصوم؛ اما به تدریج که بزرگ شدند، سادگی و صمیمیت در آنها رنگ باخت. «بشر امروز، کودکان را از وادی حیرت های شگفت انگیز و رویاهای کودکانه ایشان، به سوی عقل و منطق و گزینش بزرگسالانه سوق می دهد و باعث سقوط آنها می شود. همین امر باعث می شود کودک با طی کردن پله های نردبان بزرگ شدن، به پس روی «کوچک بودن» روی آورد و هر اندازه که مغز او بزرگ می شود به همان میزان قلبش کوچک می-شود». بنا به اظهار اثر مذکور، بزرگسالان، با خود خواهی و مصلحت اندیشی خود مدارانه، برای کودک و دوران کودکی اهمیتی قائل نمی شوند. آنها از دنیای کودکی بی خبرند و عقایدی نادرست و بسیاری اوقات تأسف بر انگیزی در مورد این دنیا دارند. عقایدی که هر یک باعث تباہ شدن این دوران می شوند. حال این که اگر بتوانیم شکیبایی داشته باشیم و کودکان را به همان گونه که هستند بشناسیم و بپذیریم، بی تردید پختگی و بلوغ کاملی را در دوره های بعدی رشد آنها مشاهده خواهیم کرد. اثر مذکور، مهم ترین تفاوت بین کودکان و بزرگسالان را به صورت زیر فهرست می کند؛ ۱- کودکان، قدرت یادگیری بیشتری در مقایسه با بزرگسالان دارند. ۲- میل و اشتیهای کودک به کشف محیط و دستکاری پدیده های اطراف بیش از بزرگسالان است. ۳- کودکان پرسشگرانی خلاق و فعال هستند. ۴- کودکان ظرفیت تعجب کردن و شگفت زدگی بیشتری نسبت به بزرگسالان دارند و همین، ویژگی کنجکاوی آنها را شدید تر می کند. (کریمی، ۱۳۸۷، ۷۸)

مقاله «عرفان و رجعت به کودکی» بر آن است که کودکان، عارفان حقیقی اند که هر چه زمان ماندگاریشان در این دنیا می گذرد، با عرفان فطریشان فاصله می گیرند. این که کودکان عارفان ذاتی اند و با جهان معنوی از همان ابتدای تولد، مرتبط اند، با تاریخ مسیحیت که یکی از ادیان عرفانی است مطابقت کاملی دارد؛ زیرا مسیح از همان لحظات آغازین تولد به مقام پیامبری برگزیده شد. اثر مذکور در ادامه این مقاله اضافه می کند که «شاید به دلیل نزدیکی فضاهای ذهنی کودکان و عارفان است که ما ایرانی ها، سده های پیاپی است که قصه گویی مان برای بچه ها را با دو جمله متناقض با هم آغاز می کنیم که توأمان بنیاد آرمان عرفان ایرانی اسلامی اند: «یکی بود؛ یکی نبود». با ادای این سرآغاز، انگار که به مخاطب خاطر نشان می کنیم همان گونه که در جهان واقعیت، در عالم حقیقت قصه گون نیز با تناقض رویاروی است و در دیالکتیکی که رویدادهای بیرون و درون آن را باز می نمایند، جمع نقیضین نه محال که واجب است و هر اجتماع چینی با واجب الوجود یکی است». در اثر مذکور، یکی از شباهت های کودکان و عارفان این است که هیچ

کدام « حیوان اقتصادی» نیستند. همان گونه که کودکان، ضرر و نفع نمی شناسند، عارفان نیز چنین اند. آنها چون خود را از هر چه رنگ تعلق-پذیرد، آزاد ساخته اند، گویی صاحب همه چیز هستند. (سرامی، ۱۳۸۶، ۶۱-۶۰)

پژوهش « تبیین ماهیت دوران کودکی از منظر رویکرد اسلامی: عمل و اهداف تربیت اخلاقی کودک بر اساس آن» به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد به بررسی دیدگاه های فلاسفه و متفکران اسلامی در رابطه با کودکان و نحوه آموزش و تربیت آنها پرداخته است. (آزاد منش، ۱۳۹۳) در زمینه ادبیات، مجموعه منابع ادبی و مطبوعاتی مرتبط با کودکان در ایران از زمان باستان تا دوران معاصر، در ۱۰ جلد کتاب با عنوان « تاریخ ادبیات کودکان ایران» در سال ۱۳۸۳ منتشر شده اند. (محمدی و قایینی، ۱۳۸۳) هر چند که این مجموعه کتب، خدمتی مهم در معرفی آثار مرتبط با کودکی در ایران انجام داده اند اما صرفاً به معرفی مجموعه ای از منابع ادبی و مطبوعاتی مرتبط با کودکان پرداخته اند. دوره ۱۰ جلدی « تاریخ ادبیات کودکان ایران» تلاشی درخور توجه با کمک و همراهی گروه بزرگی از همکاران برای گردآوری عمده ترین منابع ادبی مرتبط با کودکان در تاریخ ایران هستند که پیرامون موضوع اصلی ادبیات کودکان ساماندهی شده اند. بدین ترتیب نویسندگان این مجموعه قصد انجام یک پژوهش تاریخی با استفاده از همه منابع متعدد و متنوع تاریخی را نداشته اند اما از آنجا که حاصل پژوهش خود را به شیوه ای زمانمند ارائه کرده اند به محققان عرصه تاریخ اجازه داده اند با حجم انبوهی از رساله ها، کتاب ها و منابع مورد احتیاج آشنا شوند. کتاب « دوران کودکی» سهم مهمی در ادبیات کودکی دارد. (گورکی، ۱۳۹۲) از جمله آثار مطرح دیگر در زمینه ادبیات کودکی می توان به موارد آتی اشاره کرد؛ « مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک» که از دو رویکرد عمده به کودکی با عنوان «کودک همچون هدف» و «کودک همچون وسیله» سخن به میان می آورد. رویکردی که کودک را هدف می داند و آرمان او تحقق انسان و کمال او در کودکی است، بر یکپارچگی و وحدت وجود کودک و نیز یکپارچگی و وحدت کودک با هستی تأکید می کند. اما رویکرد دوم، کودک همچون وسیله، رویکردی بزرگسال گرا است. کودکی را نه پایان راه بلکه آغاز راه می داند. کودک در این دیدگاه انسانی رشد نیافته است که باید به مدد هدایت بزرگسال کامل، راه کمال بپیماید و کودکی مرحله گذر به بزرگسالی است. از این رو، در حالی که رویکرد کودکی همچون هدف، بر آگاهی (درک مستقیم) کودکان، خلاقیت، تمامیت، کمال و گرایش آنها به عشق و آزادی تأکید دارد؛ رویکرد دوم، بر عدم آگاهی، در خود ماندگی، کثرت، نقص و گرایش کودکان به غرایز پست اصرار می ورزد. در نهایت، نویسنده با تمسک به آراء دریدا، می نویسد که تصور کودکی بدون بزرگسالی و یا مطلق انگاشتن بزرگسالی بدون کودکی، بی معناست و این دو مفهوم، هر یک به دیگری نیاز دارند و هر یک معنا بخش و تکمیل کننده دیگری

هستند. حضور بزرگسال به هر شکل، شرط شکفتن کودک است، همچنان که حضور کودک نیز شرط معنا یافتن بزرگسال است. (خسرو نژاد، ۱۳۸۴، ۱۶۸-۱۵۱) علاوه بر این نگارنده در آخرین اثر خویش، «شعر، زبان کودکی انسان»، بیان می‌دارد، کودک نا خود آگاه به طبیعت نزدیک است و شاعر برای این که خود را از سیطره زندگی عقلانی و شناخت تحلیلی نجات دهد و بدین سان به طبیعت نزدیک شود باید دوباره کودک شود. او اظهار می‌دارد: «این بازگشت به شعر، یا بازگشت به جهان کودکی، در واقع بازگشتی است به آن فضایی که کودک در پیوستگی با طبیعت، نه با اندیشه بلکه با احساس و تخیل خود و یا دیدن خود در همه چیز و دیدن همه چیز در خود، شناخت احساسی و عاطفی خود و هستی را آغاز می‌کند». (کیانوش، ۱۳۷۹، ۲۵-۱۲) همچنین، کتاب «شعر و کودکی» کوشیده است تا نشان دهد که جوهر شعر و شاعری «بازگشت به کودکی» است. نگارنده در این اثر با مقایسه اشعار پاره‌ای از شاعران همچون سعدی، حافظ، مولوی، نیما، شاملو، و سپهری با نوشته‌های کودکان بر آن است تا تمایل شاعران را برای بازگشت به دوران کودکی، آشکار سازد. بر اساس اثر مذکور، وجه مشترک اساسی شاعران با کودک در «خود میان بینی» آنهاست. او معتقد است کودک همچون فیلسوفی است که جهان را بدان صورت که تجربه کرده است، درک می‌کند. خود را مرکز کائنات می‌داند و تصور می‌کند که جهان و هر چه در آن است از برای اوست. کودک انتظار دارد که افراد بزرگسال، اشیاء را همان طور که او می‌بیند، مشاهده کنند. این امر در مورد شاعران نیز دقیقاً صدق می‌کند. (امین پور، ۱۳۸۸)

در حوزه مطالعات تاریخی، کتاب «در باب قرائت اطفال» در سال ۱۳۸۲، به دنبال بررسی پیشینه توجه به مخاطبان کودک و نوجوان در تاریخ مطبوعات ایران در طی سال‌های قبل از فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ ق) بوده است که درک نسبتاً خوبی از مفهوم کودکی دارد. با وجود اشاراتی درباره «مفهوم و حدود کودکی و نوجوانی» و تفاوت در معنا و تعریف آنها در گذر زمان، هیچ حد و مرز سنی را برای این دو اصطلاح طرح نمی‌کند. کتاب «در باب قرائت اطفال» در بردارنده مطالب مرتبط با کودکان و نوجوانان در مطبوعات دوره قاجاریه است که تنها توانسته است مجموعه‌ای از داده‌های تاریخی را به تحقیق حاضر ارائه کند. داده‌هایی که یک پژوهشگر تاریخی ترجیح می‌دهد خود از مطبوعات تاریخی به دست آورد تا آن که از تحقیقات جدید به دست آورد. همین موضوع درباره کتاب دیگر نویسنده «تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان» در سال ۱۳۸۷، نیز صادق است. کتابی که بیش از هر چیز مخاطب را با منابع مرتبط با مطالعات تاریخ کودکی آشنا می‌کند. (کاشفی خوانساری، ۱۳۹۱) پژوهش «تاریخ کودکی در ایران: تحول و تجدد جایگاه کودک در اندیشه و جامعه ایرانی از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت رضا شاه» به عنوان رساله دکتری به مطالعه‌ای تاریخی درباره کودکان و تحولات تاریخی زندگی کودکان در ایران پرداخته

است (حاتمی، ۱۳۹۳) و در نهایت وضعیت کار، پرورش و آموزش، سلامت و بهداشت، اوقات فراغت را در دوران قاجار و پهلوی اول بر اساس یافته ها و شواهد تاریخی، مورد مطالعه قرار داده است. کتاب «نقش کودکان و نوجوانان در انقلاب مشروطه» در سال ۱۳۸۵، که در میان کتاب های نامبرده جنبه تاریخی بیشتری دارد نیز به مانند کتاب «از باب قرائت اطفال» از اصطلاح نوجوان، برای دوره تاریخی مشروطه استفاده کرده است. موضوعی که سبب گردیده بخش بزرگی از داده های کتاب ناهیدی آذر، درباره فعالیت های دانش آموزان و محصلان مدارس عالی مانند دار الفنون و ... باشد که گر چه به چشم خواننده امروزی، نوجوان جلوه می کنند اما در عصر و زمانه خود جوانانی بودند که در تمامی جنبش ها، انقلاب ها و حرکات های اعتراضی و مطالبه گری های حقوقی بیشترین نقش را داشتند. بنابراین بر خلاف عنوان کتاب، اثر مذکور، از نوآوری و خلاقیتی که خود مدعی آن است، بی بهره و در کار پژوهش، چندان کارآمد نبوده است. (ناهدی آذر، ۱۳۸۵)

اثر «سیر پیدایی و گسترش کودکانستان ها (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش)» با تکیه بر اسناد سازمان اسناد ملی ایران نوشته شده است که به بررسی نخستین کودکانستان ها، بنیانگذاران آنها، نظامنامه و قوانین مرتبط و ... در این دوران پرداخته است. (فیروز، ۱۳۷۹) همچنین فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۴۲ که در تابستان ۱۳۹۱ منتشر شده است به موضوع «آموزش و پرورش کودکان در دوره قاجار» پرداخته است که در آن مقالات گوناگونی درباره آموزش مکتب خانه ای، کتاب های درسی، مکتب خانه ها، عروسک های کودکان و ... چاپ شده است؛ اگر چه در دهه های اخیر، ژانرهای مختلف در جامعه شناسی ایران مورد توجه قرار گرفته اند اما توجه جامعه شناسان و پژوهشگران ایرانی به جامعه شناسی کودکی هنوز در آغاز راه است. در حالی که، پیوند با زمینه اجتماعی- فرهنگی ایران، توجه به کودک و کودکی به عنوان یک هستی اجتماعی- فرهنگی، امری لازم و ضروری است.

در زمینه جامعه شناسی، تا به حال، کتاب «نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی» از نیل پستم، کتاب «جامعه شناسی کودکی» از ویلیام. ای. کورسارو؛ کتاب «جامعه شناسی دوران کودکی: نظریه پردازی درباره کودکی» از جمعی از نویسندگان و ویراست مری جین کلی؛ کتاب «جستاری در مطالعات کودکی» از مارتین وودهد و همکاران، ترجمه شده اند. همچنین، مجموعه مقالاتی با عنوان «درآمدی بر مطالعات کودکی در ایران» و «مطالعه وضعیت اجتماعی کودکان در ایران» منتشر شده اند که بیشتر نگاهی آسیب شناسانه به کودکان و کودکی در ایران دارند و نه پژوهشی منسجم بلکه مجموعه ای از مقالات مختلف پیرامون مسائل و آسیب های کودکان هستند

که هر کدام با رویکردی متفاوت توسط نویسندگان ای مجزا تدوین شده اند. پژوهش «پیدایش مدرسه جدید در ایران» نیز از جمله آثاری است که مطالعه ساختارهای مرتبط با کودکان در ایران که مهم ترین آنها مدرسه است را مورد توجه قرار داده است. علاوه بر این، آثار زیادی توسط جامعه شناسان و مددکاران اجتماعی در رابطه با آسیب ها و مسائل اجتماعی مربوط به کودکان انجام شده اند که نتایج جستجوی این آثار همانند رساله دکتری با عنوان «گذار از کودکی، بررسی تجربه رفتارهای پر خطر در زندگی روزمره نوجوانان ۱۳۹۷» بیشترین تأکید را بر مطالعه مسائل و آسیب های کودکان با محوریت مفاهیم «کودکان کار» و «خشونت علیه کودکان» و «انحرافات، جرائم و بزهکاری کودکان» را نشان می دهند.

همان طور که آمارهای مربوط به انتشار مقالات، کتب و کارهای پژوهشی همانند پایان نامه های دانشگاهی و طرح های پژوهشی نشان می دهند، سهم اعظم مطالعات و پژوهش های علمی در رابطه با کودکان و کودکی، مربوط به حوزه های علم حقوق، پزشکی و روانشناسی، فلسفه (شامل فلسفه و تعلیم و تربیت)، ادبیات، و حتی تاریخ و یا علوم اجتماعی به شکل عام است.^۱ در این زمینه نیز مطالعات جامعه شناختی سهم کمتری را به خود اختصاص می دهند و در مجموع، شواهد به دست آمده از جستجوی پیشینه پژوهشی نشان می دهند که عمده مطالعات جامعه شناختی در رابطه با کودکان، کودکی و حقوق کودک، مربوط به نگاه های آسیب-شناسانه (در میدان مددکاری اجتماعی) است. لذا در این مطالعات، کودکان به عنوان جامعه و نمونه مورد مطالعه در پژوهش های کمی و کیفی در راستای بررسی یک مسأله یا آسیبی خاص، مورد توجه هستند. بنابراین، سهم بیشتر مطالعات جامعه شناختی کودکان، کودکی و حقوق کودک، توسط علاقه مندان به مطالعات جامعه شناختی مسائل اجتماعی و یا آسیب شناسان انجام شده است که عمده هدف این پژوهش ها شناسایی و توصیف مسأله و آسیب، تفهیم، تفسیر و تبیین آن در راستای ارائه راهکارهای مداخلاتی برای سیاست گذاران و عاملان قدرت اجرایی، در جهت اصلاحات در زمینه کودکان است. لذا عمده کنشگران در حوزه های علمی، پژوهشی و مطالعاتی در رابطه با جامعه شناسی کودکی، به عنوان جامعه شناسان در خدمت قدرت، به دنبال ارائه یافته های علمی به بخش ساختاری و سیاست گذاری برای انجام اقدامات اصلاح گرانه هستند. هر چند که در یک دهه اخیر (پیرو پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک و تلاش مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در ایران)

^۱ این ترتیب بیان علوم و حوزه های گوناگون که عرصه های مختلف توجه به مطالعات کودکی هستند، بدون هیچ گونه اولییتی مطرح شدند. لذا بیان ترتیب و اولویت توجه علوم و حوزه های مختلف به کودکی، یکی از اهداف پژوهش حاضر است که در جریان گردآوری داده ها مورد توجه خواهد بود و در نهایت نتایج به دست آمده ارائه خواهند شد.

تلاش برای باز تعریف کودکان به عنوان کنشگران مؤثر و صاحبان حقوق در جامعه بیشتر شده است و به همین دلیل انجمن‌هایی به شکل مستقل یا نیمه مستقل از دولت، به دنبال باز تعریف کودکان به مثابه عاملانی فعال و اثر بخش در جامعه هستند، و همچنین در راستای صدا بخشی به کودکان تلاش می‌کنند که در برابر قدرت متعین (حاکمیت)، قدرت ساختاری جامعه و سلطه بزرگسالان، کودکان را به عنوان طرد شدگان و به حاشیه رانده شدگان، به جامعه باز گردانند و به کودکان موجودیتی مستقل ببخشند. در این راستا حوزه میانی جامعه ایران گام‌هایی برداشته است، برای مثال، انجمن‌های «جمعیت امام علی (ع)» و «مرکز آموزش و پژوهش‌های» در چند سال اخیر اقدامات مختلفی در رابطه با مسائل کودکان از جمله کارهای پژوهشی در رابطه با خشونت جنسی علیه کودکان انجام داده‌اند؛ سمینار ملی مربوط به ازدواج کودکان، طرح پژوهشی و همایش ملی کودک آزاری جنسی، توسط جمعیت امام علی (ع)^۱ و همچنین، ترجمه و نشر کتاب آموزش جنسی به کودکان، توسط نشر اینترنتی انجمن‌های، از جمله این اقدامات هستند. هر چند که نقطه شروع انجمن‌ها نیز از توجه به کودکان آسیب دیده شروع شد، همانند توجه به کودکان کار، کودکان قربانی خشونت (به خصوص خشونت جنسی در چند سال اخیر) و ...؛ بنابراین در نهایت، می‌توان گفت نقطه توجه به کودک و کودکی در عرصه جامعه شناختی ایران با رویکردی آسیب شناسانه (مطالعه مسائل و آسیب‌های مربوط به کودکان) شروع شده و سپس به نگاه‌های کلان‌تر و همه‌جانبه‌تری نسبت به کودکان و کودکی، در حال گسترش است؛ حتی کم‌کم، همه کودکان نه فقط آسیب‌دیدگان و در معرض آسیب‌ها، به عنوان عرصه مطالعات کودکی (اجتماعی، سیاسی، روانشناسی، حقوقی، تاریخی و ...) مورد توجه قرار می‌گیرند.

هر چند که در رابطه با کودکان و کودکی، در عرصه دانشگاهی ایران، دپارتمان آموزشی (حتی در حد ارائه واحدی درسی در رشته جامعه‌شناسی) یا پژوهشی مشخصی وجود ندارد اما گروه مستقل «جامعه‌شناسی کودکی در ایران»^۲ و کارگروه جامعه‌شناسی کودکی «انجمن جامعه‌شناسی ایران» در سال ۱۳۹۵ تشکیل شده‌اند، که فعالیت‌های علمی و جامعه‌شناختی خود را بر کودکان و کودکی به شکل متمرکز انجام می‌دهد. هر چند که عمده مؤسسات و پژوهشکده‌ها در رابطه با

^۱ به گزارش دبیرخانه جمعیت امام علی (ع)، ۱۳۹۶-۱۳۹۵: <https://sosapoverity.org>

^۲ گروه جامعه‌شناسی کودکی در ایران توسط دکتر مریم شعبان و دکتر تقی آزاد ارمکی به عنوان یک گروه مستقل در دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۵ تشکیل شد که به سرعت بیش از صد عضو فعال را جذب نمود. مهمترین اقدام این گروه، برگزاری گفتارمآه‌های جامعه‌شناسی کودکی در ایران و تلاش برای پویای دانشگاهی پیرامون جامعه‌شناسی کودکی است.

کودکان، در ایران، در حوزه های حقوقی، پزشکی و سلامت اطفال کار می کنند،^۱ اما مؤسسات و مراکز تحقیقاتی مختلفی در دهه اخیر شکل گرفته اند که به فعالیت های پژوهشی اجتماعی و جامعه شناسانه در رابطه با کودکان می پردازند، همانند «مرکز مطالعات و پژوهش های کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهرا (س)» که در سال ۱۳۸۵، به طور رسمی شروع به کار کرد و مطالعات و پژوهش های حقوقی، قضایی، سیاسی و فرهنگی، اجتماعی در رابطه با کودکان، نوجوانان و جوانان را انجام می دهد که عمدتاً نگاهی آسیب شناسانه به کودکان و کودکی دارند. «مؤسسه مطالعات و خلاقیت کودک و نوجوان»^۲ نیز، که در سال ۱۳۸۶، تشکیل شده، هر چند در حوزه روانشناسی و روانشناسی اجتماعی کار می کند، اما از عرصه های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و تأثیر آنها بر کودکان غافل نبوده است.

امروزه، چشم انداز علاقه مندان به مطالعات کودک و کودکی در عرصه جامعه شناختی ایران، (با توجه به وجود آسیب ها و مسائل اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی، سلامت و پزشکی و ... کودکان در جامعه ایران که به شکل روز افزون نیز گسترش و عمق می یابند)، توجه بیشتر به این حوزه است. لذا امید پژوهشگران و علاقه مندان به حوزه های آموزشی و پژوهشی جامعه شناسی کودکان و کودکی در ایران، بر ایجاد رشته ای مرتبط با جامعه شناسی کودکی در دپارتمان های جامعه شناسی ایران است؛ هر چند که خیزش مطالعاتی و پژوهشی چندین سال است که در ایران شروع شده است اما عرصه آموزش هنوز نسبت به جامعه شناسی کودکی اقدامی جدی انجام نداده و صرفاً به ارائه دو واحد درسی در سطح کارشناسی محدود شده است. لذا، این موضوع مهم، در کرسی های آموزشی، همچنان مغفول مانده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ همانند مرکز تحقیقات پاتولوژی اطفال دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات جراحی کودکان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات اعصاب کودکان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات سلامت کودکان در شهرهای مختلف همانند تبریز، گیلان، یزد، زاهدان و ... ۱۳۸۷ به بعد که همگی تحت نظر وزارت بهداشت هستند.

^۲ مؤسسه مطالعات و خلاقیت کودک و نوجوان که در سال ۱۳۸۶ به عنوان یک مؤسسه خدماتی پژوهشی با هدف کشف استعداد کودکان و نوجوانان ۳ تا ۱۵، تشکیل شد، که عمده فعالیت آنها در حوزه روانشناسی و روانشناسی اجتماعی است. علاوه بر این مؤسسات مختلفی در زمینه مطالعه خلاقیت و استعداد یابی کودکان در ایران کار می کنند؛ همانند مؤسسه خلاقیت کودکان دانشگاه آزاد اسلامی.

نتیجه گیری

پلورالیسم اجتماعی و فرهنگی، هر پژوهشگر جامعه‌شناسی را ملزم می‌کند که با اتخاذ رویکردی بومی، در پژوهش‌های خود، به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه اش، تمرکز نماید. کودک و کودکی یکی از موضوع‌های نوین در عرصه مطالعات جامعه‌شناختی است. هر چند که پرداختن به کودکان، در قالب جامعه‌مورد پژوهش، پیشینه‌ای طولانی دارد اما کودک و کودکی به عنوان موضوع جامعه‌شناسی و حتی به عنوان شاخه‌ای مجزا در عرصه جامعه‌شناسی بسیار نوین است. تلاش برای ایجاد جامعه‌شناسی کودکی به عنوان شکل‌نهایی مطالعات کودکی، در برخی جوامع، زودتر آغاز شده است. این جوامع، بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگ بومی خود، مبانی و مبادی ویژه‌ای را برای شکل‌گیری برخی علوم به طور کلی و جامعه‌شناسی کودکی به شکل خاص تر، ایجاد می‌کنند. بنابراین، جوامعی که آغازگر بحث‌های مربوط به جامعه‌شناسی کودکی هستند، مولد رویکرد‌های نظری و روشی خاصی هستند که بر اساس فضای مسلط بر مطالعات بومی خودشان، آنها را شکل داده‌اند. و برخی پژوهشگران نیز، با اتکا بر رویکرد‌های بومی این جوامع مولد در حوزه نظری و روشی، به مطالعه جوامع خود می‌پردازند؛ چنین جوامعی، مصرف‌کننده بوده و معمولاً فضای شناختی که توسط پژوهشگران آنها، پیرامون یک موضوع، شکل می‌گیرد؛ مبتنی بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آنها نیست.

دهه ۱۳۹۰، در ایران «دهه کودکی» است. در اوایل این دهه توجه به کودکان، کودکی آنها و حقوق کودک در جامعه گسترش یافته و روند مطالعات پیرامون موضوع کودک، افزایش یافت. این دهه، اوج تحولات فکری و فرهنگی نسبت به کودک و کودکی در ایران بوده و هست. اما تحلیلی جامع از مطالعات علمی و اقدامات میدانی اجرایی، نشان می‌دهد که عرصه مطالعات کودک، کودکی و حقوق کودک، به دو حوزه شناسایی مسائل و آسیب‌های کودکان، تفهیم معنای ذهنی بزرگسالان مرتبط با کودکان (از جمله والدین، معلمان و مدیران و مسئولان اجرایی) محدود شده است. تمرکز بر آسیب‌ها و مسائل یا تفهیم کنشگران مرتبط با کودکان، باعث شده است که، توجه و تمرکز به وضعیت فعلی جامعه، جلب شود؛ لذا، تاریخ، همواره حلقه مفقوده بحث‌هاست. عدم توجه به حافظه تاریخی، پیرامون مباحث کودکی، منجر به پذیرش مفاهیم، معیارها، مقیاس‌های جوامع دیگر و کاربرد کورکورانه آنها در جامعه ایران شده است. به این معنی که بدون شناخت نظام معنایی بومی ایرانی، و با درکی مجزا از بستر جامعه ایران، و گاهی با تأکید بر نظریه‌های موجود که معمولاً وارداتی هستند، به مطالعه کودک پرداخته شده است. لذا بیشترین تأکید در عرصه مطالعات، پژوهش‌ها و برنامه‌های اجرایی و مداخلاتی، پیرو آسیب‌ها و مسائل کودکان انجام می‌

شوند. مطالعه کودک و کودکی در ایران، با محوریت مسائل و آسیب ها، دو روند مجزا برای متفکران و پژوهشگران علاقه مند به این حوزه ایجاد می کند: ۱- کودک به عنوان « سوژه در معرض خطر»، « سوژه در بحران» و « کودک به عنوان در دسر». ۲- کودک به عنوان « سوژه خطرناک»، « کودک به عنوان تهدید» و « کودک به عنوان در دسر ساز». در هر دو روند، کودک در برابر « بزرگسالی» تعریف می شود. کودک کم خرد، کم تجربه و ناتوان که باید توسط بزرگسالان خردمند، با تجربه و دانا، مورد مراقبت و کنترل قرار گیرد. در چنین حالتی کودک هم ایزه و هم سوژه است. کودک زمانی که مورد مراقبت است، ایزه ای برای بزرگسالان است که توسط آنها تعریف و تعیین ماهیت شود، لذا، ترس از آسیب رسیدن به کودکان، منجر به حساس سازی جامعه در برابر آسیب های کودکان می گردد، که در نهایت حساسیت جامعه نسبت به ناهنجاری های موجود برای کودکان را افزایش می دهد. توجه و حساسیت زیاد نسبت به آسیب های کودکان، زمینه را برای باز تولید بیشتر آسیب ها فراهم می کند، گویی که فضای حساس جامعه، نسبت به آسیب ها، آسیب های جدیدی بر ساخت می کند؛ که منجر به هراس عمومی شده و حتی، اغفال عمومی نسبت به جامعه کودکان را ایجاد می کند؛ به این معنی که کودکان دارای وضعیت بهنجار و یا دارای استعداد برتر، مورد اغفال واقع می شوند، که همین موضوع یک آسیب و مسأله ای اجتماعی مهم برای جامعه است. زمانی که کودک نسبت به بزرگسالان سوژه است، کودک مبنای داوری و قضاوت بزرگسالان قرار می گیرد. کودک به دلیل آسیب پذیری و برانگیختن حس ترحم و مراقبت عموم، به عنوان یک رتوریک اخلاقی خواهد بود که هر چیزی در رابطه با خود را توجیه می کند. در چنین وضعیتی، کودک و وضعیت او، مبنایی برای تعیین و تفکیک والدین (یا سرپرستان) خوب از بد، والدین (یا سرپرستان) موفق از شکست خورده، والدین (یا سرپرستان) شایسته از بی لیاقت خواهد بود. لذا، کودک مبنای تعریف پدری و مادری و همچنین، چگونگی فرآیند مراقبت و کنترل است. این موضوع تعریف کننده مسئولیت اجتماعی در برابر کودکان است، که حتی از حوزه والدین و نهاد خانواده فراتر رفته و به نهادهای مدنی و ساختارهای رسمی دولت، فرافکنی می شود. مسئولیت فراگیر اجتماعی در برابر کودکان، جامعه را به یک جامعه مراقبتی و کنترلی برای کودکان تبدیل می کند که هم منجر به بهبود وضعیت کودکان می شود و هم زمینه را برای تحدید قدرت و عاملیت کودکان فراهم می کند. این موضع سلطه بزرگسالان، ساختارها و دولت بر کودکان را توجیه و منجر به پنهان سازی و توجیه نا برابری های کودکان و بزرگسالان می گردد. به شکلی که گاه موضوع فرو دستی و سلطه پذیری برای کودکان، به یک طبیعت ثانویه تبدیل می شود.

رویکرد « آسیب ها و مسائل» کودکان، کودکی و حقوق کودک و نیز تمرکز بر کودکان قربانی، خاطی و یا مستعد خطر، بر مطالعات مربوط به کودک، کودکی و حقوق کودک در ایران، سایه

افکنده است. سلطه رویکرد حقوقی و آسیب شناسی و مبتنی بر مسأله گویی، بیانگر تسلط رویکرد انگلیسی- آمریکایی بر فضای مطالعات پیرامون کودک در ایران است؛ رویکرد هایی که بر مواردی همچون، مسائل و آسیب های کودکان، سیاست گذاری برای رفاه و حمایت از کودکان و پژوهش تجربی با کودکان و یا کنشگران و گروه های مرتبط با کودکان، همچون والدین و معلمان، آموزش و پرورش و جامعه پذیری کودکان، باز جامعه پذیری کودکان خاطی و آسیب-دیده و ... متمرکز هستند.



منابع

- ۱- آزاد منش، سعید، (۱۳۹۳)، تبیین ماهیت دوران کودکی از منظر رویکرد اسلامی: عمل و اهداف تربیت اخلاقی کودک بر اساس آن، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزشی و پرورش، به راهنمایی سجادیه، نرگس، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲- امین پور، قیصر، (۱۳۸۸)، شعر و کودکی، چاپ چهارم، تهران، نشر مروارید.
- ۳- برنامه عمل جامع حقوق کودک و نوجوان در ایران در افق ۱۴۰۴، (۱۳۹۴)، مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در وزارت دادگستری.
- ۴- پستمن، نیل، (۱۳۹۵)، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه طباطبایی، صادق، چاپ پنجم، تهران، نشر اطلاعات.
- ۵- جیمز، آلیسون، کریس جنکس، آلن پروت، (۱۳۹۳)، درآمدی بر مطالعات کودکی، ترجمه کرمانی، علیرضا، ابراهیم آبادی، علیرضا، تهران، نشر ثالث.
- ۶- حاتمی، زهرا، (۱۳۹۳)، تاریخ کودکی در ایران: تحول و تجدد جایگاه کودک در اندیشه و جامعه ایرانی از آغاز سلطنت ناصر الدین شاه تا پایان سلطنت رضا شاه، پایان نامه دکتری تاریخ ایران اسلامی، به راهنمایی رحمانیان کوشکی، داریوش، تهران، دانشگاه تهران.
- ۷- خسرو نژاد، مرتضی، (۱۳۸۴) مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره ۴، پیاپی ۴۵.
- ۸- سامانه آماری کودکان در ایران با عنوان «گنج انسان»، www.ganjensan.ir.
- ۹- سرامی، قدمعلی، (۱۳۸۶)، عرفان و رجعت به کودکی، مجله روشنان، دفتر پنجم.
- ۱۰- شعبان، مریم، (۱۳۹۴)، شیوه نامه داخلی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در وزارت دادگستری.
- ۱۱- شعبان، مریم، (۱۳۹۹)، جامعه شناسی کودکی در ایران: ظهور و دگرذیسی، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تهران.

۱۲- عابد خراسانی، محمود رضا، (۱۳۸۹)، درآمدی بر حقوق کودک: مطالعه تطبیقی در نظام های حقوقی ملی و بین المللی، تهران، نشر میزان.

۱۳- فیروز، فیروزه، (۱۳۷۹)؛ سیر پیدایی و گسترش کودکان در ایران از ۱۳۲۰-۱۳۰۰، مجله گنجینه اسناد، شماره ۳۷ و ۳۸.

۱۴- کاشفی خوانساری، سید علی، (۱۳۸۲)، از باب قرائت اطفال، کودکان و مطبوعات پیش از مشروطه در ایران، تهران، نشر قدیانی و همچنین (۱۳۹۱)، ادبیات دینی کودک و نوجوان تا پایان دوره پهلوی، تهران، نشر حوا.

۱۵- کریمخانی زند، مصطفی، (۱۳۹۱)، پیدایش مدرسه جدید در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، به راهنمایی کچویان، حسین، تهران، دانشگاه تهران.

۱۶- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۶)، تفکر شهودی در کودکان و ضرورت بازگشت به کودکی، نشریه پژوهشکده ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۰.

۱۷- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۷)، کودکی باز یافته، چاپ پنجم، تهران، نشر عابد.

۱۸- کیانوش، محمود، (۱۳۷۹)، شعر، زبان کودکی انسان، کتاب جشنواره، نشریه نهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان، تهران، نشر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۱۹- گورکی، ماکسیم، (۱۳۹۲)، دوران کودکی، ترجمه کشاورز، کریم، تهران، نشر نگاه.

۲۰- محمدی، محمد هادی، قایینی، زهره، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد ۱ تا ۱۰، تهران، نشر چیستا.

۲۱- مدنی قهفرخی، سعید، زینالی، امیر حمزه، (۱۳۹۰)، آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران، تهران، نشر میزان.

۲۲- ناهیدی آذر، عبد الحسین، (۱۳۸۵)، نقش کودکان و نوجوانان در انقلاب مشروطه (سرآغاز جنبش دانش آموزی و دانشجویی در ایران)، تهران، نشر اختر.

۲۳- وودهد، مارتین، (۱۳۹۷)، جستاری در مطالعات کودکی، ترجمه غنی، زینب و همکاران، تهران، نشر جامعه شناسان.

24- Alanen, Leena, (1992), Modern Childhood: Exploring the child Question in Sociology, Publication Series A50, Jyvaskyla: University of Jyvaskyla, institute for educational Research .

25- Alanen, Leena, (1988), Rethinking childhood, Acta Sociologica 31, (1).

26- Alderson, Priscilla and Morrow, Virginia, (2004), Ethics, Social Research and Consulting with children and Young People, London: Barnardo's.

27- Alderson, Priscilla, (1995), Listening to Children: Children, Ethics and Social Research, London: Barnardo's.

28- Allison, James, Chris Jenls, Alan Prout, (1998), theorizing childhood, Polity press.

29- Allison, James, Alan, Prout, Eds, (1997), Constructing and reconstructing childhood, 2nd ed, falmer Press.

30- Bühler Niederberger, Doris, (2010), Childhood Sociology in Ten Countries Current Outcomes and Future Directions, Current Sociology 58, (2).

31- Mayall, Berry, (2013), A History of the Sociology of Childhood, Institute of Education Press, London.

32- Mayall, Berry, (2002), Towards a sociology for childhood: Tinking for children's Lives, open university press.

33- Prout, Alan, (2002), Researching children as Social Actors: an introduction to the children 5- 16 Programme, children and Society 16 (2), Special issue.

The Status of Studies of Childhood in Iran with an Introduction to the Mastery of the Legal and Pathological Approach

D.r Maryam Shaban¹

Abstract

The present study seeks to analyze the situation of child and childhood studies in Iran or the history of child studies in Iran. In this regard, trying to identify the first studies related to children and childhood is considered and then the choice of historical approach is inevitable. Such an action is a resistance action against the prevailing hegemonic views on the situation of child studies in the world and seeks to identify and present the identity and nature of child studies in Iran to the audience; It is as if he wants to bring marginalized and marginalized communities into the context of childhood studies and make their voices louder. It also indirectly defends the rights of children in Eastern societies; Because it considers the right of children in Eastern societies to have indigenous culture and social originality. Children who have the right to have original and credible research and study literature about them and former children in their community. The approach of the present research is qualitative - in time and research method is also documentary analysis. The results of the research indicate the existence of childhood studies in a general sense throughout the history of Iran. However, sociological studies of children and infants in Iran date back to the last decade and usually the existing studies in this field, due to researchers' lack of attention to the internal contexts and historical memory of Iranian society and also researchers' focus on works translated from other societies. , Is strongly influenced by non-native works and approaches (centered on English and American works) that are usually pathological and ultimately legal. Therefore, the sociology of children and childhood in Iran needs more attention based on the context and internal historical memory as well as the legal approach.

keywords: Childhood Studies, Child Sociology, Child Injuries, Child Rights.

¹PhD in Sociology of Social Issues, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (Corresponding Author)

M.shaban@ut.ac.ir

Compiled based on the results and findings of the author's doctoral dissertation entitled "Child Sociology in Iran: Emergence and Transformation", which in 1399 was honored as a top dissertation at the national level.